



## زمینه‌های تفرقه و جدایی مسلمانان

### درس هفتم

کلمهٔ اختلاف در لغت به معنای «پشت به هم کردن» و «هر کدام راهی را رفتن» است<sup>۱</sup>. این معنی در قرآن علاوه بر واژهٔ اختلاف، با واژگانی مثل تنازع (کشمکش) یا جدال (حریف مقابل را به میدان کشیدن)، نزغ (فساد برانگیختن و دوبه هم زنی) و... نیز آمده است. مهم این است که درگیری، نزاع و مقابلهٔ انسان‌ها با هم ناپسند است و پیامدهای ناگواری دارد؛ آرامش و آسایش انسان را از او سلب می‌کند و در موارد بسیاری به قتل و کشتار منجر می‌شود. چون تأمین آسایش و آرامش و حفظ جان افراد و جوامع از اهداف اساسی اسلام است، در آیات قرآنی از انواع اختلاف نهی شده است.

ریشه و منشأ اختلافات، گوناگون است و به همین سبب، اختلاف انواع متفاوتی دارد. در اینجا به چند نوع مشهورتر آن اشاره می‌کنیم و سپس آنها را به اختصار توضیح می‌دهیم.

۱- معنای دوم اختلاف، پشت سر هم آمدن است. در آیه ۱۹۰ سورهٔ آل عمران پشت سر هم آمدن شب و روز «اختلاف اللیل والنهار» نامیده شده است. معنای سوم اختلاف، کشمکش و نزاع است، در سورهٔ شوریٰ واژهٔ اختلاف در قالب فعل ماضی به همین معنا آمده است: «وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ» (شوریٰ، ۱۰). «شما در هر موردی که با هم نزاع کنید، باید داوری و حکمش را به خدا ارجاع دهید.»

## ۱- اختلاف شیطانی

از چندین آیه قرآن فهمیده می شود که شیطان با جانبداری از فقر، فحشا، شراب، قمار، تقویت حس حسادت، ایجاد کینه با ترغیب انسان ها به حرف زشت زدن و نزاع و کشمکش، آنها را تحریک می کند. قرآن در آیه ۵۳ سوره اسراء می فرماید :

«وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا»

به بند گانم بگو به بهترین وجه با هم سخن بگویند. قطعاً شیطان در بینشان فساد و تباهی و اختلاف

ایجاد می کند. شکی نیست که شیطان دشمن آشکار انسان است.

قرآن در این آیه، کار شیطان را نزع می نامد و نزع (همان گونه که در تفاسیر و کتاب های لغت آمده) به معنی دو به هم زنی و ایجاد فساد است. راه حل برخورد با اختلاف شیطانی، بی توجهی به وسوسه های شیطان و مقابله با او با توسل به اندیشه، همت و تکلف عملی است. تکلف عملی این است که انسان خود را به مخالفت عملی با وساوس شیطانی وادارد و برخلاف میل شیطان عمل کند، و با بندگان خدا به بهترین وجه سخن بگوید.

### تدبیر در آیه

۱- با تدبیر در آیه مبارکه ۵۳ سوره اسراء بگویند دشمن مشترک و آشکار انسان ها کیست؟ (با

هم گروهی های خود در مورد راه های دشمنی او با انسان ها تحقیق کنید.)

۲- قرآن راه نجات از نزع و فساد و اختلاف را چه می داند؟

## ۲- اختلاف فرعونی

اختلاف فرعونی حاصل تسلط فرعونیان بر سرنوشت و جان و مال مردم است. سیاست و روش فرعونیان این است که انسان ها را به دو دسته شهروند درجه یک و شهروند درجه دو تقسیم کنند و درجه اولی ها را به جان درجه دومی ها بیندازند تا خود بتوانند بر هر دو حکومت کنند. (قرآن این سیاست را استخفاف یعنی تحقیر و سبک کردن انسان ها می نامد.) این مطلب در آیه ۴ سوره قصص تصریح شده است.

«وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّنَّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يُلْبَسُونَ مِنْهُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَهُمْ»

و مردم آن را طبقه طبقه ساخت. طبقه ای از آنان را زبون و ضعیف می داشت؛ پسرانشان را سر

می برید و زنانشان را [برای بهره کشی] زنده بر جای می گذاشت. «قصص، ۴»

فرعون قبطی‌های مصر را بر سبطنی‌ها حاکم نمود و آنها بی‌رحمانه سبطنی‌های ستم‌دیده را آزار می‌دادند و استثمار می‌کردند. فرعون پسران بنی اسرائیل را می‌کشت و دختران را برای کار اجباری و بردگی زنده می‌گذاشت. راه برخورد با اختلاف فرعون، آگاهی‌دادن به توده‌های مردم و مقاومت‌کردن در مقابل سیاست‌های اختلاف‌برانگیز فرعونیان است.

### ۳- اختلاف نژادی، زبانی و قومیتی

قرآن کریم تفاوت رنگ و زبان انسان‌ها را آیه و نشانه عظمت خالق و مایه تفکر دانایان می‌داند. به راستی، آیا انسان‌های سفید، سرخ، سیاه و زردپوست و اقوام و قبایل گوناگون، تابلوهای رنگین خداوند در نمایشگاه بزرگ هستی نیستند؟ آری، وجود این همه زبان و لهجه در میان مردم روی زمین آثار صنع الهی است نه بستری برای تفرقه و نزاع. بشر با نگرش نادرست به این امر مهم، جنگ‌ها برافروخته است، دل‌های زیادی را شکسته و روح‌های بسیاری را آزرده و خون‌های فراوانی ریخته است. برای رفع این اختلاف‌های واهی، باید این تنوع در خلقت را نشانه‌ای از قدرت الهی دانست. هیچ انسانی در تعیین رنگ پوست، نژاد و قومیت خود دخیل نیست؛ مگر نه این است که مطابق آیه قرآن در سوره حجرات، این خلقت با کلمات «خلقنا: آفریدیم» و «جعلنا: قرار دادیم»، کار خداوند دانسته شده است؟<sup>۱</sup>

بنابراین، باید با تفاوت‌های زبانی، قومی، نژادی و قبیله‌ای آگاهانه برخورد کرد و با همگان با لطف و محبت ایمانی رفتار نمود؛ همان‌گونه که رسول رحمت و رأفت با بلال حبشی، صهیب رومی، سلمان فارسی، کابان کردی و... برخورد می‌کرد.

### ۴- اختلاف دینی

قرآن شریعت آسمانی را منشأ تمام ادیان آسمانی می‌داند.<sup>۲</sup> همچنین، همه پیروان این ادیان

---

۱- سوره حجرات آیه ۱۳: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ!» ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و به صورت تیره‌ها و قبیله‌های متفاوت در آوردیم تا یکدیگر را بشناسید. قطعاً گرامی‌ترین شما در محضر خداوند با تقواترین شماست.

۲- سوره شوری، آیه ۱۳: خداوند آیینی را برای شما مؤمنان بیان و روشن نموده که آن را به نوح توصیه کرده است؛ همان دینی که آن را به تو، ابراهیم، موسی، و عیسی سفارش کرده‌ایم..... توجه کنید که تشریح یعنی قانون‌گذاری و ترسیم برنامه زندگی.

را مُسلم می‌نامد<sup>۱</sup>. این شیوه نام‌گذاری به معنای آن است که تمام پیروان ادیان ابراهیمی باید تسلیم خداوند شوند و موحد گردند. از طرف دیگر، قرآن برنامه توحید را برنامه مشترک پیروان رسول الله و نیز برنامه اهل کتاب<sup>۲</sup> می‌نامد<sup>۳</sup> و اهل کتاب را بسیار واقع‌بینانه تقسیم می‌کند و تعهد گروهی از آنان را به عبادت خدا، تلاوت آیات خدا و سجده کردن در نیمه‌های شب می‌ستاید<sup>۴</sup>. با توجه به تمام اینها درمی‌یابیم که دیدگاه قرآن، دیدگاهی عادلانه و منصفانه است. طبیعتاً برخورد با اهل کتاب در سنت هم، همین گونه است. پیامبر همه انبیای الهی را برادران خود می‌دانست؛ همواره با احترام از آنها یاد می‌کرد و یکی از اولین اقداماتش در مدینه، اعلان صلح با اهل کتاب ساکن آنجا بود. اگرچه اهل کتاب بارها علیه پیامبر و صحابه توطئه کردند، بر آنها دروغ بستند و نسبت به آنها بی‌ادبی کردند و حتی با مسلمانان جنگیدند و پرچم جنگ را برافراشتند؛<sup>۵</sup> طوری که پیامبر و صحابه در نهایت مجبور شدند با آنها مقابله کنند. با وجود این، مسلمانان از جاده حق و صواب خارج نشدند. قرآن حتی با مشرکان هم منصفانه برخورد کرد و فراتر از این، به پیروانش امر کرد که به مشرکان ناسزا نگویند<sup>۶</sup>. بنابراین تمام این دلایل، اسلام دین صلح و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز است و پیروی از دین اسلام به معنای برافراشتن پرچم جنگ علیه پیروان ادیان دیگر نیست. قرآن می‌فرماید:

«خداوند شما را از رفتار نیکو با کسانی که (به‌خاطر دین) با شما نجنگیدند و شما را از شهر و دیارتان بیرون نکردند، منع نمی‌کند. با آنها به نیکی و عادلانه رفتار کنید؛ چون خداوند عادلان و نیکومثشان را دوست دارد، بلکه خداوند شما را از این منع می‌کند که با کسانی دوستی کنید که (به‌خاطر تعصبات دینی خود و ضدیت با دینتان) با شما جنگیدند و شما را از شهر و دیارتان بیرون راندند و برای بیرون کردن شما، دیگران (یعنی مشرکان) را یاری کردند.»<sup>۷</sup>

بنابراین، تفاوت دین نمی‌تواند دست مایه‌ای برای جنگ و جدل و خون‌ریزی و بغض و کینه باشد و

۱- به آیات ۱۳۶، ۱۳۳، ۱۳۲، سوره بقره و آیات ۵۲، ۶۷، ۸۴، سوره آل عمران، سوره مائده آیه ۱۱۱، انعام آیه ۱۶۳، یونس آیه ۸۴ و ۹۰، سوره عنکبوت آیه ۴۶ مراجعه کنید.

۲- به یهود و نصاری در اصطلاح قرآن «اهل کتاب» می‌گویند؛ یعنی کسانی که پیرو تورات و انجیل اند.

۳- سوره آل عمران، آیه ۶۴

۴- سوره آل عمران، آیه ۱۱۳

۵- جنگ احزاب یکی از بارزترین این موارد است.

۶- سوره انعام، آیه ۱۴۱

۷- سوره ممتحنه، آیه ۸ و ۹

همان‌طور که گفتیم، تاریخ اسلام ثابت کرده است که مسلمانان با تمسک به قرآن و سنت، بهترین رفتار را با اهل کتاب و پیروان سایر ادیان داشته‌اند<sup>۱</sup>. امروزه هم مسلمانان باید از تحریک ناهلان متأثر نشوند و رأفت و رحمت اسلامی را فراموش نکنند.<sup>۲</sup>

ما به عنوان پیروان کتاب (قرآن) و سنت باید با اهل کتاب با مهربانی و عدالت رفتار کنیم، پیروان سایر ادیان را به عنوان انسان بپذیریم<sup>۳</sup> و بدانیم که جلوه‌های اجتماعی و اخلاقی اسلام، مکمل جلوه‌های فردی و عبادی آن در شخصیت فرد مسلمان است و هر نوع کوتاهی عمدی در این زمینه خیانت به دین خدا محسوب می‌شود.

## ۵- اختلاف مذهبی

ابتدا باید بدانیم که تفاوت در رأی و نظر امری کاملاً طبیعی است. اختلاف نظر فقها و مجتهدان امت به دلیل انسان بودن آنها و تفاوت در تحلیل‌ها و پذیرش ادله شرعی، امری بسیار طبیعی است. مسئله این است که بدانیم فقه‌های مذاهب در چند امر مشترک با یکدیگر هم مسیرند:

۱- همگی مؤمن و عالم بوده‌اند؛

۲- تفاوتشان در رأی و اجتهاد براساس علم و پیروی کردن از سبک‌های اجتهادی بوده است. از طرف دیگر، خود کتاب و سنت هم تفاوت در اجتهاد را تأیید کرده‌اند.

پیامبر در تأیید تلاش و زحمت علمی و دینی مجتهدان، حاکم و مجتهدی را که حکم و فتوایش مطلوب و صحیح بوده است، دارای دو اجر، و مجتهدی را که با وجود تلاش، در پیدا کردن حکم درست خطا می‌کند، دارای یک اجر می‌داند<sup>۴</sup>.

---

۱- رفتار شخص رسول الله ﷺ، خلفای راشدین، اموی‌ها به‌خصوص عمر بن عبد العزیز، عباسیان و عثمانی‌ها (به‌ویژه سلطان عبدالحمید ثانی) بهترین نمونه و الگو برای مسلمانان معاصر است.

۲- سال‌هاست که سیاستمداران بیمار دل می‌خواهند پیروان ادیان ابراهیمی را به جنگ و خون‌ریزی وادارند و در این میان، کارنامه درخشان مسلمانان را مخدوش کنند. حاصل تحریک‌پذیری مسلمانان در مقابل این شیطنت‌ها، کشته شدن جوانان مسلمان از طرفی و خشن جلوه کردن دین اسلام از سوی دیگر است که طبعاً هر دو به ضرر مسلمانان است.

۳- توصیه امیرالمؤمنین، در نامه مشهورش به والی مصر.

۴- در سوره انبیاء آیات ۷۸ و ۷۹ ماجرای نقل شده است که می‌تواند مبین طبیعی بودن تفاوت در رأی و نظر باشد. ماجرا از این قرار است که گوسفندان فردی شبانه وارد تاکستان شخصی دیگر می‌شوند و آن را خراب می‌کنند. صاحب تاکستان به داود نبی شکایت می‌کند، و داود ﷺ حکم می‌کند که تمام حیوانات به صاحب تاکستان تحویل داده شوند تا خسارت او جبران گردد. بعد از این قضاوت، هر دو فرد از خانه داود خارج می‌شوند. پسر داود، یعنی سلیمان نبی ﷺ، وقتی حکم پدرش را می‌بیند، به او می‌گوید که قضاوتش را تعدیل کند. پدر می‌گوید چگونه؟ سلیمان ﷺ می‌گوید گوسفندان را به صاحب باغ بده تا از شیر و پشم آن استفاده کند و باغ را به صاحب گوسفندان بسیار تا خسارت‌های

« إِذَا حَكَمَ الْحَاكِمُ فَاجْتَهَدَ ثُمَّ أَصَابَ فَلَهُ أَجْرَانِ وَإِذَا حَكَمَ فَاجْتَهَدَ ثُمَّ أَخْطَأَ فَلَهُ أَجْرٌ »<sup>۱</sup>

## علل تفاوت احکام فقهی مذاهب مختلف :

زاویه نگرش انسان‌ها به یک موضوع می‌تواند موجب تفاوت نظر آنها با یکدیگر شود. این موضوع در علم فقه هم دیده می‌شود؛ بنابراین، به راحتی می‌توان به علل ایجادکننده آراء متفاوت فقها و مجتهدان (در مسئله واحد) اشاره کرد. ما در اینجا سه علت را بیان می‌کنیم.

۱- تفاوت در پذیرش ادله<sup>۲</sup> (دلیل‌های شرعی)؛

۲- تفاوت در تحلیل و تفسیر ادله<sup>۳</sup>؛

۳- تفاوت در تحلیل لغات نصوص قرآن و سنت<sup>۴</sup>.

پدید آمده را اصلاح کند و تاکستان را به حالت قبل برگرداند. وقتی باغ به حالت اولش برگشت، آن را به صاحب باغ پس بده و از طرف مقابل هم بخواه که گوسفندان را به صاحبش برگرداند. قرآن ضمن تأیید هر دو قضاوت (داود و سلیمان علیهم‌السلام) در جمله‌ای زیبا می‌فرماید: «به هر دو مهارت قضاوت و علم دادیم» و رأی سلیمان را بهتر می‌داند (و فهم بهتر را به سلیمان دادیم). در توضیح قضاوت داود علیه‌السلام گفته شده که او میزان خسارت وارده بر زمین را معادل قیمت گوسفندان بر آورد کرده و بنابراین، قضاوتش درست است. از طرف دیگر، صاحب گوسفندان تقصیر و کوتاهی عمدی کرده، چون در شب از گوسفندانش محافظت نکرده و این تقصیر موجب خسارت دیدن زمین کشاورزی شده، اما سلیمان نبی علیه‌السلام میزان خسارت را معادل منافع یک سال گوسفندان دانسته است. بنابراین، قضاوت بر اساس حق و عدل بوده و از جهت دیگر در دیدگاه او مسئله جبران و اصلاح هم در نظر گرفته شده است؛ چرا که ریشه بونه تاک از بین نرفته و قابل اصلاح بوده است. نکته جالب بحث این است که: داود و سلیمان علیهم‌السلام که هر دو پیامبر بوده‌اند، پدر و پسرند؛ بنابراین، ممکن است دو مجتهد که پدر و پسر و هر دو پیامبرند، با هم اختلاف داشته باشند. پس، اختلاف ائمه مذاهب و شاگردانشان در مسائل فقهی بسیار طبیعی است؛ چون هیچ کدام از آنها نسبت پدر و پسر با هم ندارند و هیچ کدام پیامبر هم نیستند! وقتی خداوند دو حکم متفاوت را می‌پذیرد، چرا ما احکام متفاوت ائمه را که نتیجه تأمل و علم و اجتهاد ایشان است، نپذیریم و با آنها نزاع کنیم؟ متأسفانه امروزه برخی افراد تفاوت در نظرات را بهانه‌ای برای دین‌گریزی قرار می‌دهند؛ حال آنکه این موضوع در تمام زمینه‌های علوم انسانی و حتی در بعضی زمینه‌های علوم تجربی هم دیده می‌شود.

۱- سنن نسایی، حدیث صحیح، مسند احمد ۱۷۷۷۴، صحیح بخاری ۷۳۵۲، سنن ابی داود ۳۵۷۴، صحیح مسلم ۱۷۱۶، سنن ابن ماجه

۲۳۱۴

۲- تفاوت و حکم مربوط به صحت صلاة التسیب یکی از مصادیق این مورد است. توضیح اینکه بسیاری از اهل علم، حدیث صلاة التسیب را در حدیثی نمی‌دانند که به آن استناد شود؛ لذا این نماز را مشروع نمی‌دانند و گروهی هم حدیث را پذیرفته‌اند و نماز مذکور را مشروع می‌دانند.

۳- در حکم باطل بودن روزه فردی که در طول روز حجامت می‌کند، قضیه این است که فقها در مورد حدیث آن نظرات متفاوتی داده‌اند.

۴- مانند تفسیر حدیثی که در موطای امام مالک آمده که پیامبر در مکتوبی که امر نمود برای عمرو بن حزم بنویسند، فرمود: «لَا تَمَسُّ الْقُرْآنَ إِلَّا طَاهِرٌ». توضیح اینکه به نظر برخی از فقها منظور از قرآن، قرآنی آسمانی است که ملائکه پاک خدا آن را حمل می‌کنند. گروهی دیگر قرآن را قرآن‌های زمینی و مورد استفاده مردم و طاهر را کسی می‌دانند که غسل دارد.

## روش صحیح برخورد پیروان مذاهب باهم

پیروان مذاهب اسلامی باید بدانند که همگی در کاروان ایمان هستند و تفاوت در آراء فقهی نباید قلب آنها را از هم دور کند. کافی است به همایش بزرگ و روح پرور حج بیندیشیم که چگونه همگی آنها در صف‌های پر از لطف و صفا در کنار هم نماز می‌خوانند و طواف و سعی و سایر اعمال را انجام می‌دهند. مگر نه این است که حاجیان نمایندگان تمام امت در آن عبادت پر از رمز و رازند؟ آیا در حج که نمونه‌ای زیبا از کل اسلام است، تفاوت مذهبی توانسته است صفوف حجاج را بر هم زند؟ از طرف دیگر، مگر نه این است که امت اسلامی سابقون در ایمان را مقربان می‌دانند؟ مگر امام اعظم به نظر بسیاری از اهل علم تابعی نیست و تابعین نسل دوم امت اسلامی نیستند؟<sup>۱</sup> مگر منبع اصلی تمام فقها به خصوص ائمه اربعه در استنباط احکام، کتاب و سنت نیست؟ بنابراین ادله و ده‌ها دلیل دیگر می‌توان با قاطعیت گفت که جایی برای اختلاف<sup>۲</sup> یا بزرگ‌نمایی اختلافات جزئی باقی نمی‌ماند.

پیروان مذاهب اسلامی باید بدانند که از کنگره آسمان آنها را ندا داده‌اند که:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا؛ همگی به ریسمان محکم الهی چنگ زنید و متفرق نشوید.

## ۶- اختلاف طبقاتی

منظور از اختلاف طبقاتی تفاوت اقشار مختلف مردم در محدوده رفاه است. در یک دسته‌بندی کلی انسان‌ها را از نظر برخورداری از رفاه می‌توان به سه دسته فقیر، متوسط و ثروتمند تقسیم کرد. در مورد اختلاف طبقاتی باید توجه کرد که روش قرآن این است که معمولاً همراه با امر به صلوات به ادای زکات هم امر می‌کند و به قول مفسران، قرآن می‌خواهد رابطه انسان را با خدا به وسیله صلوات و رابطه مؤمن را با دیگران با زکات و عبادات مالی گرم و صمیمی کند. چنین دینی چگونه می‌تواند به انسان‌ها اجازه دهد به خاطر تفاوت طبقاتی با همدیگر تنازع و کشمکش کنند، یکدیگر را تحقیر کنند و یا به یکدیگر ستم روا دارند. راه پرهیز از اختلافی که ریشه در تفاوت طبقاتی دارد، تفکر به مفاهیم والای اسلامی در زمینه مساوی بودن قدر و منزلت مسلمانان است.

۱- کتاب: الفقه الإسلامي وأدلته (السائل للأدلة الشرعية والآراء المذهبية وأهم النظريات الفقهية وتحقیق الأحادیث النبویة وتخریجها المؤلف: أ. د. وهبة بن مصطفى الزحيلي،

۲- به معنی نزاع و کشمکش نه تفاوت.

## ۷- اختلاف حزبی<sup>۱</sup>

حزب در لغت به معنای تجمّع است و به مجموعه‌ای از مردم که حول عقیده‌ای جمع شده‌اند، حزب می‌گویند. در اصطلاح علم سیاست، به سازمان‌های سیاسی که در پی تأثیرگذاری بر حکومت‌اند، حزب گفته می‌شود.<sup>۲</sup> پیوستن به احزاب محاسنی دارد که از جمله آنها پشتیبانی اعضا از فرد و قوت یافتن فرد با پیوستن به جمع است.<sup>۳</sup> با وجود این نقطه قوت، پیوستن به حزب گاه خالی از اشکال نیست. یکی از بلاهای پیوستن به حزب، تحزّب به معنای منفی آن است. تحزّب در معنای مثبت آن پیوستن به حزب است اما گاهی به دسته‌بندی انسان‌ها و ایجاد مرزبندی و پراکندگی در میان صفوف انسان‌ها و تعصب بیجا، گفته می‌شود. در این صورت فردی که دچار تحزّب شده است؛ از دیگران دور می‌شود، نسبت به سایر انسان‌ها زاویه پیدا می‌کند و به شیوه‌ای صرفاً عاطفی و به دور از تعقل از افراد هم حزبی خود دفاع می‌کند. گاهی کار به جایی می‌رسد که اخوت اسلامی فراموش می‌شود و مفاهیم وسیع اسلامی در چارچوبی تنگ محصور می‌گردند و این مسئله‌ای است که دلسوزان امت از آن منع می‌کنند. امروزه امت اسلامی، احزاب و جناح‌های بزرگی دارد که پیوستن به آنها (اگر به اثبات خود و نفی دیگران تفسیر و تعبیر شود) در نهایت به محدوده اختلاف مذموم و ناپسند می‌رسد.

در اینجا لازم است به برنامه‌های پیامبر ﷺ در مدینه توجه کرد. رسول مودت و رحمت در میان مهاجران و انصار مدینه پیمان برادری برقرار نمود و برای عاطفی کردن بیشتر این پیمان، آنها را، دو نفر دو نفر برادر اعلام کرد. این برنامه در تاریخ اسلام «اخاء» نامیده می‌شود.

راه برخورد صحیح با آفات همسویی با احزاب این است که بدانیم ما به عنوان مسلمان مأموریم که در طول شبانه روز حداقل نُه بار در تشهد به تمام مسلمانان سلام دهیم و این بدان معناست که تفاوت‌های حزبی هم نمی‌تواند تمسک مسلمانان به صراط مستقیم را به هم بزند. باید بدانیم که مصالح جمعی مسلمانان و اعتصام آنها به حبل خداوند، مقدم بر مصالح حزبی و گروهی است.

### سخن آخر درباره دوری از اختلاف:

بسیاری از واژگان کلیدی اسلام حامل مفاهیم صلح، آرامش و نیکی کردن است.<sup>۴</sup> زندگی پرخیر

۱- اختلاف جنسیتی، صنفی و طبعی هم از دیگر انواع اختلاف است که توسط انسان‌ها موجب نزاع و کشمکش می‌شود.  
۲- در جهان این تأثیرگذاری معمولاً از طریق نامزد کردن افرادی با دیدگاه‌های همسو با حزب برای به‌دست آوردن مسئولیت و مناصب سیاسی صورت می‌پذیرد.

۳- الکساندر دوما، شعار «یکی برای همه، همه برای یکی» را شعار گروه کوچکی از تفنگ‌داران ذکر کرده است. امروزه به‌نظر می‌رسد که افراد امتیاز ملحق شدن به حزب را با این شعار بیان می‌کنند.

۴- واژگانی مثل اسلام، مسلم، ایمان، مؤمن، دارالسلام (سرای صلح و سلامتی یکی از نام‌های بهشت است).



و برکت رسول الله ﷺ و آموزه‌های گهربار قرآن و سنت هم سرشار از مفاهیم دوستی، الفت، مهر، محبت و انس و اتحاد است. همه اینها نشان می‌دهند که هر کس دین اسلام را به گونه‌ای صحیح و همراه با اشراق درونی بفهمد، از تنازع، درگیری و اختلاف دوری می‌کند.

### بیشتر بدانیم

در برابر اندیشه وحدت و اتحاد، اندیشه تفرقه افکنی و ایجاد چند دستگی قرار دارد. همگان جمله معروف «تفرقه بینداز و حکومت کن» را شنیده‌ایم. شاید باور این نکته چندان آسان نباشد که به رغم تصور بسیاری از افراد، این روش منحصرأ ابزار استثمار و استعمار برای سلطه‌گری بر ملت‌های عقب مانده و غارت آنهاست و به کارگیری آن قدمتی چندین هزارساله دارد. در قرآن کریم آمده است که «فرعون در زمین برتری جویی کرد و اهل آن را به گروه‌های مختلفی تقسیم نمود». این شاهد قرآنی، خود مؤید گفته بالاست که استفاده از ابزار تفرقه افکنی پیشینه‌ای به قدمت طغیان و برتری طلبی انسان و بهره‌کشی او از هم‌نوع خود دارد. با اندیشه کردن در این مسئله تاریخی، وحدت کلمه و اعتصام همگانی به ریسمان الهی و نیز مخالفت طاغوت‌ها با پیام آوران این دعوت آشکار می‌شود. مردمان یا هم‌کیش‌اند یا هم‌نوع، و باید به دنبال راهی برای همراهی و همیاری بود. دشمنان این را نمی‌خواهند و بذره‌های تفرقه را می‌پروراندند. فرومایه آن کس که ناخواسته در این کشتزار به بیگاری گرفته شده است؛ شیعه نام باشد یا مدعی «سنت». در سایه اخوت و برادری است که مصیبت‌ها آسان می‌شود. وحدت است که پویایی می‌آفریند. باید به قرآن بازگردیم و هویت گم‌گشته خویش را بازشناسیم. باید به ریسمان الهی چنگ زنیم و از ناملايمات هراسی به دل راه ندهیم که اگر خدا را باور کنیم و دل به آنچه در کتاب او آمده بسپاریم، نه سست خواهیم شد نه اندوهناک.

### تکمیل کردن

دربارهٔ اوضاع نامناسب سیاه‌پوستان در جوامع غربی، به خصوص آمریکا، تحقیق کنید.

- ۱- با اندیشیدن دربارهٔ عبادت با شکوه حج، بنویسید که تعامل مسلمانان با هم (با وجود مذاهب و آراء مختلف فقهی) باید چگونه باشد؟
- ۲- آثار و نتایج زیان بار تفرقه چیست؟ چند مورد را نام ببرید.
- ۳- تفاوت‌های موجود میان اقوام و مذاهب در کشور را چگونه می‌توان به فرصتی برای اتحاد تبدیل کرد؟



## درس هشتم

# زندگی در پرتو اخلاق اسلامی

یکی از مهم‌ترین ثروت‌های انسان، اخلاق ستوده است و ارزشمندترین این نوع ثروت، اخلاق اسلامی است.<sup>۱</sup> اخلاق اسلامی به مجموعه آداب و منش‌های فردی و اجتماعی گفته می‌شود که با تکیه بر تنه درخت محکم دین، اصالت می‌یابد و میوه رفتار صحیح را در وجود مؤمن به بار می‌آورد. اخلاق فرد مسلمان معامله یا رفتاری سطحی و مصلحت‌گرایانه نیست. او مؤمن است و آب حیات در وجودش جریان دارد؛ به همین سبب، سخنانش مهرآمیز و نگاهش پر از عطف و بر خوردش گرم و صمیمی است. توحید و ایمان به قیامت، رنگ و بویی خدایی به گل وجودش داده است.

«تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» قصص، ۸۳

«ما آن سرای آخرت را برای کسانی برپا می‌کنیم که در زمین، خواهان هیچ نوع تکبر و استکبار

و فساد و تباهی نیستند [و دل‌هایشان از آلودگی‌های مقام‌طلبی، خود بزرگ بینی و تباہکاری، پاک است]

و عاقبت و پایان خیر فقط مخصوص پرهیزگاران است.»

۱- دبیران و دانش‌آموزان عزیز دقت کنند که هدف از این درس، تعریف علم اخلاق و تقسیم موضوعات و ذکر سیر تحول آن نیست بلکه هدف این است که با چند زیر ساخت اخلاقی و چند مورد اخلاق اسلامی آشنا شویم و اصل موضوع را با گوش جان بشنویم.

با تدبّر در آیه ۸۳ سوره قصص، بگوئید که برای بهشتی شدن چند شرط تعیین شده است.

از آیه زیر می‌توان فهمید که تواضع و پاکی مؤمنان (به عنوان دو اخلاق والا و برجسته)، حاصل ایمان آنها به قیامت است.

«وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا»<sup>۱</sup> فرقان، ۶۳

بندگان خاص خدای مهربان کسانی هستند که در زمین با فروتنی و دور از غرور راه می‌روند و هنگامی که نادانان آنها را مورد خطاب قرار دهند، به گونه‌ای ملایم و مسالمت آمیز جواب می‌دهند.

قرآن رفتار نرم و عاطفی پیامبر را هم حاصل رحمت خدا می‌داند:

«فَمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُضِّقُوا مِنْ حَوْلِكَ» آل عمران، ۱۵۹

در پرتو رحمت خداست که تو با آنان [که سر از خط فرمان کشیده بودند] نرمش نمودی و اگر

درشت‌خوی و سنگدل بودی، از پیرامونت پراکنده می‌شدند.

جان کلام این است که باور عمیق به توحید و قیامت، نرم‌خویی و خوش‌قلبی و در نهایت خوش‌سخنی را به دنبال دارد و معنای عمیق پشتوانه‌دار بودن اخلاق اسلامی، همین است.

با توجه به آیه ۶۳ سوره فرقان بنویسید که ترک کردن کسی که برخوردش مناسب نیست، چه

مزیتی بر مقاومت و درگیر شدن با او دارد.

## چند ستون اساسی در ساختار اخلاق اسلامی

با مطالعه قرآن متوجه می‌شویم که اخلاق خوب مؤمن با چند پشتوانه محکم<sup>۲</sup> تقویت می‌شود. در واقع، این پشتوانه‌ها اکسیرهای<sup>۳</sup> با ارزشی هستند که کیمیاگرانه داشته‌های وجودی انسان عادی را به

۱- توجه کنید که در شریعت اسلامی دو نوع سلام وجود دارد: ۱- سلام ملاقات، ۲- سلام خداحافظی. منظور از سلام در این آیه، سلام دوم است؛ یعنی بندگان خوب خدا صحنه نزاع و درگیری با جاهلان را رها می‌کنند. گرچه ممکن است برای ما ایرانی‌ها سلام دوم چیز عجیبی باشد؛ چون در ایران از کلمه «خداحافظ» یا «خدانگهدار» استفاده می‌شود.

۲- جز اعتقاد به توحید و قیامت

۳- قدما (گذشتگان) به دارویی که درمان تمام امراض بود، در اصطلاح اکسیر می‌گفتند. اکسیر در واقع جوهری آمیخته و گدازنده بود که ماهیت اجسام را تغییر می‌داد و مثلاً نقره و مس را طلا می‌کرد (این ماده اساساً وجود نداشت و وجود ندارد) اما براساس آن اعتقاد، در ادبیات فارسی به هر راه حل و اندیشه زیر بنایی فعال و بویا و یا هر آنچه بسیار مفید است، اکسیر می‌گویند.

طلای ناب تبدیل می‌کند.

## ۱- بیداری و یقظه

اگر قرآن را با تأمل مطالعه کنیم، متوجه می‌شویم که این کتاب روح پرور حاوی شش موضوع اصلی است. یکی از این موضوعات، توصیف طبیعت و جلوه‌ها و نعمات نهفته در آن است. اندیشه در صنع زیبای خداوند بذر حب او را در دل انسان می‌کارد و در نهایت، باغ وجود انسان را گلستانی از عمل صالح و اخلاق زیبای اسلامی می‌کند. قطرات زیبای باران که به امر خداوند به طبیعت طراوت و زیبایی می‌بخشد و با نعمه مخصوص خود جان‌ها را می‌نوازد و میوه‌ها و ثمرات رنگارنگ را به بار می‌آورد، تنوع رنگ خاک و سنگ کوهستان‌ها (رنگ‌های سفید، قرمز، سیاه و... خطوط کوه‌ها) مردمان رنگین پوست (سیاه، سفید، سرخ و زردپوست)، چهارپایان متنوع و جنبندگان رنگارنگ (پروانه‌ها، پرندگان، چرندگان، و درندگان متنوع) مگر صفحاتی از کتاب پر رمز و راز زندگی نیستند؟

چرا نباید در این کتاب جذاب نگریست<sup>۱</sup> و چرا انسان کتاب آسمانی ترسیم‌کننده این آیه‌های زمینی را تلاوت نکند تا سر سجود برآستان خدای بدیع السموات والارض نهد و با خلق خدای، خوش‌خوی و خوش اخلاق گردد و در نهایت، در بهشت خداوند کارنامه قبولی دریافت کند و برای همیشه و تا ابد، در بهشت پر صفای پروردگارش با نیکان و عزیزان خدا دمساز گردد و بیاساید. قرآن از انسان‌های غافل‌ی که در نمایشگاه جذاب هستی از کنار آیات آسمان و زمین می‌گذرند و با ناسپاسی راه اعراض بی‌توجهی را در پیش می‌گیرند، انتقاد می‌کند:

«وَكَأَيِّنْ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ.» یوسف، ۱۰۵

و چه زیادند آیات خداوند در آسمان‌ها و زمین، که غافلان از کنارشان می‌گذرند و در موردشان تأمل

و اندیشه نمی‌کنند و آنها را نادیده می‌گیرند.

قطعاً کسی که به خدا و آیتش بی‌اعتناست، به‌طور طبیعی در مقابل خوبی‌ها و خدمات پاک پدر و مادر و خانواده، ناشکری و ناسپاسی می‌کند. او به راحتی می‌تواند در مقابل خوبی‌های مردم بی‌مهری و ناسپاسی کند؛ بنابراین، ذکر خداوند و تفکر در آیات و نعمات او<sup>۲</sup> شکر و سپاسگزاری را، که از

۱- تریسمی از آیات ۲۷ تا ۳۰ سوره فاطر

۲- ملکه یکی از اصطلاحات علم اخلاق است. به صفتی راسخ و جای گرفته در وجود انسان که تغییر یا برداشتن آن تلاش و رنج و زمان بخواهد، ملکه گویند. ملکه در وجود انسان دو نوع است: ۱- ملکه خیر (صفات نیکو و پسندیده)، ۲- ملکه شر (صفات زشت و ناپسند). قرآن ملکه خیر را «استقامت» و ملکه شر را «اصرار» می‌نامد.

منجیات<sup>۱</sup> اخلاقی است، در انسان ایجاد می کند.

گام اول در پیدا کردن اخلاق نیکو همین یقظه (بیداری) و فکر و ذکر است. قرآن در موارد متعدد انسان را به یقظه دعوت می کند و به او می گوید بیدار شو. شما با ارزش هستی؛ شما جاودانه ای و قیمت شما بهشت است. در نمایشگاه پر فر و شکوه هستی غافلانه حرکت نکن. به آیات خدا با اندیشه نگاه کن و به وجود خودت بیندیش.

## ۲- تخلیه و رهایی از مهلکات

اکنون که بیدار شده ایم، لازم است وجودمان را از آلودگی هایی که تجربه کرده ایم، پاک کنیم. خداوند ما را پاک آفریده است اما خطاها، تأثیرات محیط، وسوسه های شیطانی و نفسانیات، وجودمان را به مهلکاتی مبتلا کرده اند که ابتدا باید آنها را بشناسیم و با جدیت خویش، خود را از آنها پاک کنیم. اگر در منزل با ناسپاسی با پدر و مادر برخورد می کنیم، اگر در جمع دوستان تندخو هستیم، اگر با مردم منصف نیستیم و در تعاملات اجتماعی حق و عدالت را رعایت نمی کنیم، باید خود را از این اخلاق های ویرانگر دور کنیم.

## آشنایی با چند مورد از مهلکات

در علم اخلاق، به ناهنجاری های رفتاری «مهلکات» می گویند، این ناهنجاری ها به این سبب که زندگی و حیات ایمانی را نابود می کنند، مهلکات نام گرفته اند. علمای علم اخلاق، تکبر، حسد، فساد و تباهی و بی رحمی را از بزرگ ترین انواع مهلکات به حساب می آورند. لازم است هر کدام از موارد بالا را به اختصار بررسی کنیم.

**الف) تکبر :**

روزی رسول خدا ﷺ با صحابه رضی الله عنهم درباره فرجام بد تکبر صحبت می فرمودند. فردی از صحابه عرض کرد: «انسان دوست دارد لباسش خوب و کفش هایش زیبا باشد.» پیامبر فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ الْكِبْرُ بَطْرُ الْحَقِّ وَ غَمَطُ النَّاسِ»<sup>۲</sup>؛ خداوند زیباست<sup>۳</sup>، زیبایی را دوست دارد. تکبر

۱- به عقیده یکی از بزرگ ترین صاحب نظران اخلاق اسلامی (امام محمد غزالی رحمته الله علیه)، منجیات (نجات دهندگان) به اخلاق پسندیده ای می گویند که موجب نجات ابدی فرد متخلق و آراسته به آن می شود. در مقابل، امام غزالی به اخلاق ناپسندی که موجب هلاکت و بدبختی انسان می شود مهلکات (نابود کننده ها) می گوید.

۲- مسند احمد ۴۴۳۶، سنن الترمذی ۱۹۹۸، سنن ابو داود ۹۱۸۰، صحیح مسلم ۹۱، سنن ابن ماجه ۵۹. این حدیث به گونه ای بسیار زیبا تصویری جامع از تکبر را ترسیم می کند.

۳- در تفسیر کلمه جمیل برای خدا شارحان حدیث گفته اند، کار خدا زیباست، نام های زیبا و نیکو دارد و دارای صفات کمال و جمال است.

انکار حق و سبک شمردن مردم است و یکی از زشت‌ترین اخلاق‌ها به‌شمار می‌رود. قرآن در بحث خلقت می‌فرماید که شیطان تکبر کرد<sup>۱</sup>.

پیامبر و صحابه بزرگوارش از تکبر بسیار دور بودند. در تاریخ آمده است که وقتی اسبی جوان را به امیرالمؤمنین علیه السلام هدیه کردند، از سوار شدن به آن امتناع نمود و در جواب دوستانش که به این کار اصرار می‌کردند، فرمود: «این اسب زیبا و جوان است. می‌ترسم با سوار شدن به آن دچار تکبر گردم.»

### تدبّر در حدیث

با تدبّر در حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله بگوئید چرا انکار حق، بر تحقیر مردم (در تعریف تکبر)، مقدم شده است.

گستره تکبر: تکبر انسان‌ها در مقابل هم، زمینه‌های متفاوتی دارد و شایع‌ترین انواع آن عبارت‌انداز: تکبر در زمینه محل ولادت<sup>۲</sup>، زبان، نژاد، تکبر در زمینه جایگاه طبقاتی (ثروتمند و فقیر)، مشهور و غیر مشهور، تکبر جنسیتی و حتی تکبر دینی<sup>۳</sup>.

راه درمان تکبر این است که انسان به اصل خلقت بنگرد و مرگ را از یاد نبرد و فراموش نکند که تمام نعمت‌ها از خداست. ضمناً دعا کردن و درخواست تواضع از خدا هم اکسیری بسیار کارا و موفق است.

### ب) حسد:

در علم اخلاق، تلاش برای به‌دست آوردن کمالات دیگران، غبطه نام دارد و غبطه یکی از انواع ارزش‌هاست، اما تلاش برای نابود کردن خوبی‌ها و کمالات مردم، حسد نامیده می‌شود. حسادت نوعی تنگ نظری و کم ظرفیتی است و اولین قتلی که در زمین انجام شد در پی حسادت بود.<sup>۴</sup>

۱- خوب است بدانید که حسد به آدم علیه السلام و در پی آن سربیزی از خداوند و تکبر در مقابل قدر و منزلت آدم علیه السلام سه موردی بود که موجب هلاکت شیطان شد.

۲- بحث‌های شهری و روستایی، شهرستانی و پایتختی بودن و...

۳- چه بسا کسانی که به‌سبب داشتن جایگاه علمی (در دین) و عبادت (با مصادیق مختلف آن) به تکبر دینی مبتلا می‌شوند. به قول حافظ:  
تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافری است      راهرو گر صد هنر دارد توکل بایندش

۴- اولین گناهی که در آسمان انجام شد، حسادت ابلیس به آدم بود.

حسادت بیماری خطرناکی است که روح و روان و آسایش فرد حسود را به خطر می‌اندازد (همان ضرب‌المثل معروف حسود هرگز نیاسود) و در صورت عملی شدن افکار فرد حسود، آرامش کسی هم که مورد حسد قرار گرفته است، به خطر می‌افتد. فرد حسود در واقع انسان جسوری است که معترض اراده و حکمت خداوند و در مواردی تلاش فرد مورد حسادت است.

حسود از خیر خواهی به دور است؛ در حالی که خلاصه‌دین خیرخواهی است. حسادت گاهی به کفر می‌انجامد؛ چنان که قرآن از قول کافران نقل می‌کند که به پیامبران می‌گفتند: آیا بشری ما را هدایت می‌کند؟ (که در بشر بودن مثل ما است.)

درمان حسادت: برای درمان حسادت، توجه به چند نکته لازم است:

- ۱- ما هم نعمت‌هایی داریم که دیگران ندارند.
- ۲- دنیا کوتاه و گذراست؛ غصه خوردن برای آن ارزش ندارد.
- ۳- حسادت، حقارت است؛ چرا خودمان را حقیر کنیم؟
- ۴- کسی که نعمت بیشتری دارد، وظیفه و تکلیف بیشتری هم دارد. (همان ضرب‌المثل «هر که بامش بیش برفش بیشتر.»)

- ۵- باید بدانیم که حسادت، خود آزاری است (البته در صورت دست به عمل زدن، به دیگر آزاری هم تبدیل می‌شود). خود آزاری و دیگر آزاری بهتر است یا آرام بودن و آسایش؟
- ۶- دعا بهترین داروست.

صحابه به جای حسد ورزیدن، از خوبی‌های دوستانشان تعریف می‌کردند و آنها را ستایش می‌نمودند. عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنه با وجود اینکه خود ثروتمند و اهل سخاوت بود، همیشه از سخاوت امیرالمؤمنین عثمان رضی الله عنه تعریف می‌کرد.

### ج) فساد و تباهی:

خروج از اعتدال را (چه کم و چه زیاد) فساد می‌گویند. نقطه مقابل فساد، صلاح است. فساد در انسان این است که به جای طلب حلال به دنبال حرام باشد. به همین سبب اموری مانند دزدی، اختلاس، گناهان جنسی و تعرض به جان، مال، آبرو و دین مردم را فساد می‌گویند. امروزه فاسدان

---

۱- کسی را که به فساد مبتلا شده است، فاسد و فردی را که اعتدال اخلاقی دارد، صالح می‌گویند. کلمه فساد در مورد قلب و روح، بدن و حتی اشیاء خارج از اعتدال، به کار می‌رود. مثلاً روح و روان مهاجم و پرخاشگر را می‌توان فاسد نامید؛ چون از اعتدال خارج شده است یا عضوی زخمی را که متعفن شده است، می‌توان فاسد نامید؛ چون از حالت اعتدال بیرون رفته است. در مواد غذایی هم شیری که ترشیده شده، فاسد است؛ چون حالت اعتدال و پاکی را از دست داده و دگرگون شده است.



فناوری را در خدمت فسادشان به کار گرفته‌اند و از طریق رسانه‌ها و سایر وسایل موجود، فساد را ترویج می‌کنند؛ آن را تزئین می‌کنند و عادی جلوه می‌دهند.

متأسفانه ادبیات و هنر را هم فاسدان تخریب می‌کنند و با این دو موهبت و نعمت، مخاطبان را از جاده اعتدال خارج می‌سازند.

راه مقابله با فساد، یقظه و تخلیه است. باید بیدار باشیم و با توکل به خدا و اراده و هوشیاری، در مسیر اعتدال حرکت کنیم و اگر احياناً از جاده صواب خارج شدیم، با استغفار و توبه بار دیگر به این جاده برگردیم.

پاکی و پاک بودن و ادب در برابر خدا در هر سن و سالی ارزش دارد، اما در جوانی بسیار با ارزش تر است و به قول اقبال لاهوری :

آبروی گل ز رنگ و بوی اوست      بی ادب، بی رنگ و بو، بی آبروست  
نوجوانی را جو بینم بی ادب      روز من تاریک می‌گردد چو شب<sup>۱</sup>

در نوجوانی و جوانی باید همیشه در فکر تخلیه باشیم و به محض مبتلا شدن به بدی‌ها وجود خود را از آنها پاک کنیم. شکی نیست که فساد و تباهی آبروی انسان را نزد خود انسان نیز می‌برد<sup>۲</sup>.

(د) بی رحمی :

یکی از مهلکات بسیار خطرناک، بی‌رحمی است و لازمه حیات قلب انسان، رحم است. وقتی شخص و جامعه بی‌رحم می‌شوند، هر نوع جرم و جنایتی آسان می‌گردد، امنیت نمی‌ماند و روز آرام انسان، به شبی سرد و تاریک تبدیل می‌شود.

امروزه بی‌رحمی به بیماری مسری، خطرناک و شایعی تبدیل شده است. نظام سرمایه‌داری برای حفظ پول و ثروت و سرمایه، جان انسان‌ها را حقیر می‌کند. افراد زیادی مهارت، ثروت و علم خود را با بی‌رحمی به جان مردم انداخته‌اند و جز سود شخصی، هیچ چیزی را مهم و هیچ کس را محترم

۱- جاویدنامه، اقبال لاهوری

۲- آبرو اصطلاحی بسیار زیباست، گل زمانی شاد و خرم است که آبی در رو و وجودش مانده است و همین که این آب از بین می‌رود، خشک و پژمرده می‌شود و می‌ریزد. پاکی و مقاومت در مقابل پلیدی‌ها، آبروی انسان است و زندگی واقعی انسان وابسته به این اعتبار و آبروست. امروزه باید با هوشیاری بیشتر عمل کنیم. باید در آسمان زندگی شاهین وار پرواز کنیم؛ چون کرکس بودن بی‌آبرویی است :

کرکسان رارسم و آیین دیگر است      سطوت پرواز شاهین دیگر است

کرکسان گرداگرد مدارها می‌چرخند و فرد فاسد، کرکس وار خود را در تباهی‌ها غرق می‌کند. شاهین وجود انسان بلندپرواز است و محل سکونتش قله کوه‌ها و غذایش پاک‌ترین غذاهاست.

نمی‌دانند. آنها با این روش، خود را هم از رحمت زمینیان (انسان‌ها) و هم از دعای آسمانیان (ملائکه) محروم می‌کنند. پیامبر رحمت چه زیبا فرمود: «الْزَّاحِمُونَ يَرْحَمُهُمُ الرَّحْمَنُ، إِرْحَمُوا مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمَكُم مِّنْ فِي السَّمَاءِ»؛<sup>۱</sup> خدای مهربان به مهربانان رحم می‌کند. به اهل زمین رحم کنید تا اهل آسمان به شما رحم کنند.

باید در همین اوان جوانی بیدار شویم و قساوت قلب را از خود دور کنیم. قساوت و بی‌رحمی حاصل تحلیلی بسیار اشتباه است و آن تحلیل اشتباه این است که دنیا را میدان جنگ (و نه نمایشگاهی پر از لطف و صفا) بدانیم.

باید با یقظه و بیداری دریابیم که :

بنی آدم اعضای یکدیگرند	که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار	دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی‌غمی	نشاید که نامت نهند آدمی <sup>۲</sup>

### ۳- تحلیه

تحلیه در لغت به معنای آراسته شدن است و در اصطلاح علم اخلاق، آراستگی فرد مؤمن به اخلاق و اعمال نیک را تحلیه می‌گویند.

در این مرحله از خودسازی، انسان در پی آن است که ظرف وجود خود را از چیزهای پاک پر کند، ذاکر شود، خیرخواه گردد، مهربان شود و مهر بورزد، راه عبادت و بندگی و اخلاص در پیش گیرد و تا جایی که می‌تواند به دیگران خدمت کند؛ گرم و صمیمی به همگان سلام کند و با همه به نیکویی سخن گوید.

چون :

حرف بد را بر لب آوردن خطاست	کافر و مؤمن همه خلق خداست
آدمیت، احترام آدمی	با خبر شو از مقام آدمی <sup>۳</sup>

با احترام با همگان برخورد کند و برای افراد سالمند احترام ویژه‌ای قائل باشد. همچنین رحمتش

۱- سنن ترمذی ۱۹۲۴، مسند امام احمد ۲۴۶۵، سنن ابو داود ۴۹۴۱

۲- گلستان سعدی باب اول در سیرت پادشاهان؛ سعدی این شعر را از حدیث زیر گرفته است :

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ : مَثَلُ الْمُؤْمِنِ فِي تَوَازِهِمْ وَ تَرَاحِيهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا إِسْتَكْبَحَ بَعْضُهُ تَدَاعَى سَائِرُهُ بِالسَّهْرِ وَ الْخَيْنِ.

رسول خدا ﷺ فرمود: مثل مؤمنان در مهرورزی و دلسوزی به هم، مانند یک تن است که چون عضوی از آن بیمار شود، همه آن دچار

بی‌خوابی و تب گردد (صحیح بخاری ۶۰۱۱، مسند امام احمد ۱۸۳۵۵، صحیح مسلم ۲۵۸۶).

۳- اقبال لاهوری، جاوید نامه.

نسبت به فقرا و ضعیفان، بیشتر از دیگران باشد.

ارزش اهل علم را بدانند، و حتی در مورد حیوانات هم رأفت ایمانی را رعایت کند. اینها همه تحلیه هستند و زیبایی وجود انسان پس از یقظه و تخلیه با تحلیه صورت می‌گیرد. صحابه پیامبر ﷺ در دوره مدنی طوری در زمینه تحلیه کار کرده بودند که همگان در خودسازی با یکدیگر رقابت می‌کردند.

#### ۴- تجلیه

تجلیه در لغت به معنای جلا دادن و شفاف نمودن است و در اصطلاح علم اخلاق به مرحله‌ای از خودسازی گفته می‌شود که مؤمن متخلق به اخلاق اسلامی، با اخلاص بیشتر و رفع کاستی‌ها، اخلاق و رفتار زیبایش را نیکوتر می‌کند و جلا می‌دهد. توصیف ضرار، دوست امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام، از رفتار و عبادت آن بزرگوار تصویری گویا از تجلیه است. او می‌گوید: «شبی علی علیه السلام را دنبال می‌کردم که وارد مسجد شد. می‌خواستم عبادتش را بنگرم. علی علیه السلام شروع به نماز خواندن کرد. می‌گریست و خود را مورد خطاب قرار می‌داد. گاهی با دنیا صحبت می‌کرد و می‌گفت: ای دنیا، برو دیگران را فریب بده. علی به نعمت‌های فانی و لذت‌های گذرا، کاری ندارد. عمر تو کوتاه است و...»<sup>۱</sup> در این نوع مناجات زیبا امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌خواهد درون خود را در محضر خدایش صیقلی کند و تواضع دینی و تربیتی درونی‌اش را به اوج برساند.

تجلیه با تواضع، استغفار و رفع نقص و کاستی عبادات و اخلاق نیک صورت می‌گیرد. هر چه دقت انسان در اخلاص بیشتر شود، اعمال و اخلاقش جلای بیشتری می‌یابد.<sup>۲</sup>

#### اندیشه و تحقیق

- ۱- درباره آثار و نقش استغفار در مقابل خداوند و عذرخواهی از مردم (به هنگام خطا و اشتباه) بیندیشید و توضیح دهید.
- ۲- در مورد کتاب مدارج السالکین و احیاء علوم دین تحقیق کنید. برای تکمیل تحقیق خود، کتاب معاصری را پیدا کنید و روش تربیتی آنها را به بحث و گفت‌وگو بگذارید.

۱- کتاب خلفاء النبی اثر خالد محمد خالد.

۲- مراقبه، مشارطه، و محاسبه از دیگر مراحل خودسازی هستند که امیدواریم دیران گرامی و دانش‌آموزان عزیز در کلاس در این باره با هم به گفت‌وگو بنشینند.

